



رابطه بنیان‌های الگوی اسلامی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران: از نظریه تا عمل (مطالعه موردی دهه اول انقلاب)

ابراهیم متقی^۱، حجت داوند^۲

۲۹

دوره ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۲۹
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۶/۱۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۱۲/۲۵
صص: ۵۹-۳۷

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پورتال مجله کواهی در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR:

چکیده

طراحی الگو برای پیشرفت ایران در دوره معاصر یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهندگان علوم اجتماعی بوده است. در این میان یکی از الگوهای مغفول که قابلیت بومی دارد، الگوی پیشرفت مبتنی بر مکتب اسلام است. اساس الگوی اسلامی پیشرفت این است که نظامات زندگی بر اساس سنت اسلامی حفظ و به روز شوند و از این طریق است که پیشرفت حاصل می‌شود. از آن جا که سنت اجتماعی ایران نیز به خصوص در زیست جهان جمهوری اسلامی سرشتی دینی دارد مبانی الگوی اسلامی پیشرفت در جمهوری اسلامی بر اساس شاخص‌هایی بر آمده از دین در سیاست، اقتصاد و فرهنگ تنظیم گردید و میزان عملی شدن آن در دهه اول انقلاب به مرحله ارزیابی گذارده شد. در این پژوهش ضمن پرداختن به این مسئله که اساسا چه ضرورتی نسبت به پیگیری الگوی واحد پیشرفت و مشخص نمودن اصول بنیادین آن وجود دارد، این پرسش مطرح شد که شاخص‌های بنیادین الگوی اسلامی پیشرفت کدامند و تا چه اندازه در دهه اول انقلاب مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته‌اند؟ در پاسخ نتایج پژوهش نشان داد که بنیان الگوی اسلامی پیشرفت و حد و مرز ضروری آن با توجه به منابع و سنت اسلامی، در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در درجه اول مبتنی بر حفاظت از دستاوردهای عادلانه وضع موجود و جلوگیری از برهم خوردن تعادل ساختارها و حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماعی است. ارزیابی عملی شاخص‌های الگوی اسلامی پیشرفت در دهه اول انقلاب حاکی از دو رویکرد کلان در این دوره است. به این ترتیب که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ الگوی اسلامی پیشرفت چندان مورد توجه دولت نبود اما از سال ۱۳۶۰ به بعد همزمان با تثبیت جمهوری اسلامی این الگو نیز مورد پذیرش قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: الگوی پیشرفت، اسلام، ایران، انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

دیدگاهی که به لزوم پردازش الگوی اسلامی پیشرفت باور دارد در نقطه مقابل دیدگاه رایجی است که راه پیشرفت کشور را از رهگذر عبور از مبانی انقلاب اسلامی و شکل دهی ساختار سیاسی و اجتماعی غربی و سکولار هموار می‌دانند و یا در مقابل دیدگاه کسانی است که لزوم توجه به مباحث ساختاری را منکر می‌شوند و بر این نظرند که اصلاحات فنی، شامل تغییرات بروکراتیک و مبارزه با فساد و شفافیت، تغییر در شکل و روابط نظام سیاسی و یا تغییر در شیوه انباشت و مالکیت به سادگی و بدون پشتوانه ایده‌های مقبول کلان و اجماع ساز به سادگی و در کوتاه مدت می‌تواند زمینه پیشرفت کشور را فراهم نمایند. در حالی که تجربه تاریخی حکومت-داری بیش از چهل ساله جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نه تنها عبور از مبانی جمهوری اسلامی به مدد ایده‌های غربی و سکولار امکان پذیر نیست؛ بلکه ایجاد تغییرات ناگهانی و تحول آفرین فنی و غیر ساختاری به منظور نیل به پیشرفت هم با مقاومت گروه‌های سیاسی و اجتماعی راه به جایی نمی‌برد.

از سویی پردازش مدل‌های کاربردی در نیل به پیشرفت از ایشخوری‌کسانی (سنت) سرچشمه نمی‌گیرد و همین موضوع موجب پدید آمدن پارادایم‌ها و قالب‌های نظری ناسازگار در تعریف تبیین و تجویز در خصوص مسئله پیشرفت شده و به وجود آمدن حدی از اصطکاک مختل کننده روند پیشرفت کشور در میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی شده است.

چنان که در فضای حاکمیتی کشور و همزمان با تغییرات در دولت‌ها و روی کار آمدن جناح‌های سیاسی مختلف نیز، تلاش‌های بسیاری در جهت تغییر ساخت و بافت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور می‌شود. پس از تغییر هر دولت و روی کار آمدن دولت جدید چرخش و تغییرات ناگهانی در روش‌ها و مدل‌های مزبور به منظور دست یابی به پیشرفت به وقوع می‌پیوندد. یکی از دلایل چنین تغییرات اساسی فقدان الگوی اسلامی پیشرفت بوده است.

در چنین شرایطی که ضعف ساختاری و ناشی از فقدان الگوی کلان پیشرفت تلقی می‌شود؛ طراحی ساختاری مبتنی بر سنتی که در صدر اسلام وجود داشته ضرورت یافته که به دلیل انقطاع تاریخی، به آموزه‌های فقهی و روایی و البته مورد احترام عموم تقلیل و تنزل یافته است که عدول از آن نیز به دلیل روح اسلامی حاکم بر نظام سیاسی و جامعه میسر نیست. از این رو نقش

نخبگان فکری و نظریه پردازان و سیاستگذاران از جهت طراحی و تبیین نظریه و مدل حکمرانی منجر به پیشرفت در قالب ایده‌هایی منظوم با قابلیت پاسخگویی به مسائل اساسی مبتلا به امروزی در این زمینه و با عنایت به فضای زیستی جامعه و حکومت، برجسته‌تر از سیاستمداران و فعالان حوزه‌های مختلف حکمرانی می‌نماید.

در تبیین بیشتر ریشه‌های ضرورت تبیین الگوی اسلامی پیشرفت با رویکردی مبتنی بر جامعه شناسی تاریخی بایستی به تحولات جامعه ایرانی در زمان قاجار و به خصوص پس از جنگ‌های ایران و روسیه اشاره کرد. در این برهه است که همزمان با افزایش تعاملات ایرانیان با غرب، طبقه‌ای از روشنفکران پدید آمدند؛ که ریشه عقب افتادگی و ناکارآمدی در ایران را به مبانی مشروعیت ساز هویت ایرانیان مربوط دانستند. این دسته از منتقدان وضع موجود بر خلاف مصلحان و دگراندیشان مذهبی معتقد به عبور از مبانی هویت ساز تمدن ایرانی و اسلامی و الگو برداری از غرب بودند. از این دوره است که می‌توان در سیر اندیشه‌ای و قواعد حکمرانی حاکم بر ایران گسستی تمدنی و هویتی ملاحظه نمود.

به این ترتیب که اگر برای هر تمدنی دو لایه و سطح قائل باشیم، هر تمدن در یک سطح بنیادین مبانی عقیدتی، و هستی شناسانه خاص خود (سنت) و در لایه روبنایی به ظهورات فناورانه و سازمانی بر ساخته شده در محیط تمدنی دارا خواهد بود. در مواجهه تمدنی ایرانیان با غرب که علت پیدایی و ماهیت ساز پارادوکس‌های دوگانه در دو حوزه اندیشه و حکمرانی بود، لایه بیرونی و پوسته تمدن غربی بود که مایه شگفتی ایرانیان را برانگیخت و آن‌ها را متقاعد کرد تا با دستاوردهای تمدن غربی آشنا شوند. اگر چه در ابتدا مواجهه ایرانیان با غرب از دریچه علاقمندی به ظواهر تمدن غربی بود و از این رو چندان به اندیشه و فلسفه غربی توجه نمی‌شد، اما به تدریج تعمق در مبانی معرفتی تمدن غرب در دستور کار روشنفکران قرار گرفت و بعدها به وسیله نواندیشان دینی با نص و سنت اسلامی تطبیق داده شد. از این روی به تدریج اندیشه جدید طرفداران و بدنه اجتماعی خاص خود را پیدا کرد.

بنا بر آن چه گفته شد پیدایی و ماهیت پارادوکس سنت و دولت در ایران ماهیت بنیادین دارد و به مشکله‌ای هویتی بدل شده است. به طبع حیات فردی و اجتماعی و سیاسی ایرانیان نیز متأثر از این بحران اندیشه‌ای و تاریخی شده است. به لحاظ فردی، از آن جا که در چنین جوامعی

که سنت متزلزل شده است، بر سر اصول بنیادین تعریف هویت توافقی وجود ندارد، افراد در فرآیند جامعه پذیری با ارزش‌های متضادی مواجه می‌شوند و دچار نوعی سرگشتگی و بحران هویت می‌شوند.

در عرصه اجتماعی نیز تعاملات و کنش‌های متقابل جمعی بر اساس مفاهیم ناشی از قراردادهایی پیشینی صورت می‌گیرد که قواعد پاداش و تنبیه را به افراد و گروه‌ها یادآوری می‌کند، اما از آن‌جا که در این زمینه نیز پارادوکس و دوگانگی وجود دارد، اگر کنشگر اجتماعی بنا به اختیار مطابق میل هر کدام از گروه‌ها رفتار کند، همیشه با این ترس مواجه خواهد بود که از سوی گروه مرجع دیگر تنبیه شود. این ترس نهادینه در بلند مدت مانع از شکوفایی استعدادها و از بین رفتن فردیت و خلاقیت خواهد شد. همچنین عدم توافق نخبگانی بر سر اصول، قواعد و غایات حکومت‌داری موجب می‌شود که فرآیند، سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت و بازنگری در نظام سیاسی دچار اختلال شود و نظام سیاسی از اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی باز بماند و یا لاقط در دستیابی به آن‌ها با هزینه و ریسک بالایی رو به رو باشد.

اما با همه این اوصاف بایستی به این نکته توجه داشت که بر زیست بوم اجتماعی و سیاسی ایران که عصاره آن جمهوری اسلامی است، روح سنت اسلامی حاکم بوده و همین معناست که به حکومت جمهوری اسلامی هویت متمایز بخشیده است. اما مسئله و مشکل این است که آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی مرسوم در جامعه و سیاست ایران به این دلیل که در قالب الگوهای نظری و قابل اجرا برای استفاده دستگاه اجرایی و دولت در نیامده، از سوی این نهاد چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از الگوهای غیر بومی مدون استفاده می‌شود. که در این پژوهش با روشن ساختن اصول بنیادین الگوی اسلامی پیشرفت تا اندازه‌ای به این مسئله و نیاز اساسی پاسخ داده شود.

علاوه بر این در صورت دستیابی به اصول بنیادین الگوی اسلامی پیشرفت، می‌توان میزان پایداری دولت‌های گوناگون پس از جمهوری اسلامی را به آن مشخص کرد. به این ترتیب در ادامه با تفکیک اصول بنیادین الگوی اسلامی پیشرفت به سه بخش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مهم‌ترین اصول و شالوده‌های هر کدام از این بخش‌ها را در قالب شاخص‌هایی برای پیشرفت در بررسی و ارزیابی عملکرد دولت‌های اول انقلاب تا پایان جنگ مورد استفاده قرار خواهیم داد.

۱. بنیان‌های نظری سیاست در الگوی اسلامی پیشرفت

۱.۱. اصل جلوگیری از فتنه و آشوب و تقدم امنیت بر آزادی و عدالت و رفاه

امنیت از سوی بسیاری از عقلای جهان به عنوان مهم‌ترین نیاز اجتماعی بشر معرفی شده است کما این که ویل دورانت زیر بنا و نقطه آاز تمدن‌ها را وجود امنیت می‌داند. در قرآن کریم نیز به جایگاه بی بدیل امنیت در میان ارزش‌ها و نعمات اجتماعی اشاره شده است. در آیه ۵۷ سوره مبارکه قصص آمده است: « آن‌ها گفتند: ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم ما را از سرزمین مان می‌ربایند! آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (ازهر شهر و دیاری) به سوی آن آورده می‌شود؛ ولی اکثر آنها نمی‌دانند!». در این آیه تامین مقدمه استفاده از سایر نعمات معرفی شده است. آیه ۱۹۳ سوره بقره نیز به این معنا اشاره دارد که: « با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه (آشوب و اختلال) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد؛ پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (مزاحم آنها نشوید زیرا) تعدی جز برستمکاران روا نیست». در این آیه هدف جهاد در اسلام تحقق اولین ارزش اجتماعی یعنی امنیت و برکندن بزرگترین ستم جمعی یعنی فتنه و نا امنی است (مومنی، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از مصادیق اولویت یافتن امنیت به سایر ارزش‌های اجتماعی را می‌توان در راهبرد تالیف قلوب یافت. از نظر علامه طباطبایی آیات مربوط به این موضوع مربوط به ضرورت هزینه‌کرد مسلمین در قالب سهمی از زکات نیازمندان جامعه اسلامی برای جذب کفار به اسلام، دفع دشمنان، یا کمک گرفتن در سایر نیازهای دینی از آنان است. این سهم مخصوص زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و یا حضور ائمه اطهار (علیهم السلام) نیست، بلکه در هر زمان، باید سهمی از زکات را به این امر اختصاص داد. از این رو در سنت اسلامی برای تامین صلح و امنیت اجتماعی و جوب این معنا قطعی است که حتی برای کمک به دشمنان در شرایط خاص و تحت کنترل می‌توان نیز سهمی قائل شد (ارجینی، ۱۳۸۵).

۱. وَقَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُنْخِطِفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

۲. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ اتَّهَمُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.

از بیان امام علی(ع) در مورد ضرورت حکومت نیز این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ شبهه خوارج در نفی حکومت که می‌گفتند «لا حکم الا لله» فرمود: «الابد للناس من امیر برّ او فاجر ... و یقاتل به العدو و تأمن به السبیل و یؤخذ به للضعیف»؛ به ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن گردد و حقوق ضعفا از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شرّ بدکاران آسایش داشته باشند». بنابراین امام علی(ع)، نیز در برابر اندیشه‌های آزادی‌گرایانه افراطی و آنارشستی خوارج، ضرورت حکومت حتی غیر عادل و ناشایست را به دلیل تامین امنیت که خود زمینه ساز رفاه است، مطرح کردند. (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹).

در مجموع چنان که نشان داده شد در سنت سیاسی نمود یافته در قرآن و سیره سیاسی پیامبر (ص) و امام علی(ع) اهمیت و اولویت «صلح و امنیت اجتماعی» بر «آزادی سیاسی» به معنای تلقی شریک بودن دولت و جلوگیری از دخالت دیگران در اراده افراد یا آزادی منفی، «عدالت» به معنای تعلق امتیازات اجتماعی به مستحقین آن و «رفاه» در شرایط تنش و بحران ساختاری مشهود است. در این وضعیت بایستی ضمن تثبیت و اطمینان از وضعیت پایدار امنیت جامعه به صورت همزمان یا مرحله‌ای (اصل موقعیت‌مندی و استدراج) نسبت به تحقق سایر ارزش‌های اجتماعی اقدام شود.

۱،۲. اصل اولویت اتحاد و انسجام سیاسی و اجتماعی

در موضوعات سیاسی وحدت در نقطه مقابل کثرت به این معناست که گروه‌های اجتماعی اساس در اصول و کلیات مشترک به همبستگی و یگانگی برسند و به شیوه مسالمت آمیز همکاری کنند. در قرآن کریم نیز در آیات متعددی به نهی از تفرقه و توصیه به وحدت اشاره شده است.^۲ به عنوان نمونه آیه ۱۰۳ سوره آل عمران^۳ به نعمت وحدت و خطر تفرقه پرداخته است: «و

۱. جز خداوند را نمی‌توان حکم قرار داد.

۲. برای مشاهده آیات مرتبط به این معانی مراجعه کنید به:

بقره: ۱۳۶، ۱۴۳، ۲۱۳، ۲۸۵، انعام: ۱۵۹، روم: ۳۱ و ۳۲، انفال: ۴۶، آل عمران: ۵۱، ۱۰۵، ۱۰۳، ۲۰۰، یونس: ۱۹، انبیا:

۹۳، مومنون: ۵۳، اعراف: ۵۶، زحرف: ۶۵، مریم: ۳۷، حجرات: ۱۰، مائده: ۲، نسا: ۱۱۴، مجادله: ۲۲.

۳. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید». یا آیه ۴۶ سوره انفال قدرت و عظمت جامعه اسلامی را در وحدت می‌داند: «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپوید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است»^۱. (پور فرد، ۱۳۹۲: ۳۲ و ۳۰).

در سیره سیاسی پیامبر (ص) نیز به وحدت سیاسی و اجتماعی حول محور دین توجه شده است. مطابق دستور الهی مندرج در آیه ۱۵۹ سوره انعام خطاب به پیامبر (ص) که: «آنان که در دین اختلاف نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آنها ببوش) چنین کسان به کار تو نیایند، (و از دست آنها غمگین مباش که مجازات) کار آنها با خداست و بعد از این به آنچه می‌کردند آگاهشان می‌گرداند»^۲، نبی گرامی اسلام راهبردی با مرکزیت همبستگی و وحدت جامعه اسلامی طرح ریزی نمودند به گونه‌ای که ساختارها و کارگزاران مخالف اسلام به مرور در درون مناسبات سیاسی و اجتماعی وحدت آفرین اسلامی در روند جامعه‌سازی و جامعه‌پذیری یا کم اثر و کم خطر گردند و یا دگرگون شده و در خدمت دین و جامعه قرار گیرند.

به هنگام ورود پیامبر گرامی اسلام به شهر یثرب دو قبله اوس و خزرج با هم اختلاف داشتند و یهودیان نیز عامل این تنازع بودند. پیامبر اکرم وارد چنین جامعه متکثر و متشتتی شد که علاوه بر ساکنان اصلی، میزبان مهاجرانی مسلمان شده بود. در چنین شرایطی پیامبر اسلام در حکومت خود معاهدات و مراوداتی را به کار گرفت که برای جامعه متکثر مدینه وحدت به ارمغان آورد. از اولین اقدامات حکومتی ایشان ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان شامل مهاجرین و انصار و نیز

۱. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
 ۲. إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

تدوین منشور مدینه^۱ بود. با این دو راهبرد گام بلندی در جهت همدلی و وحدت جامعه برداشته شد. پیامبر گرامی اسلام قبائل و اهل کتاب را در انتخاب و اختیار دین خود آزاد می‌گذاشت اما تامین امنیت آنان در صورت هم پیمان شدن، در گرو پذیرش اسلام و یا پرداخت مالیات بود (پاکروان و همکاران، ۱۳۹۵: ۹ و ۸).

امام علی (ع) نیز یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاسی خود را حفظ وحدت جامعه قرار دادند. ابن هشام می‌نویسد: «چون پیامبر وفات نمود، بلا و مصیبت بر مسلمانان بزرگ شد، یهودیان سربرافراشته و مسیحیان خوشحالی کردند. اهل نفاق از دین برگشته و اعراب می‌خواستند مرتد شوند. اهل مکه می‌خواستند مجدداً بت پرستی کرده و دین پیامبر را منسوخ نمایند». امام علی (ع) که خود یکی از سنگربانان دین و طلایه داران وحدت است، در چنین فضایی یکی از علل سکوت خود را رعایت مصالح عمومی و حفظ وحدت اسلامی بیان کرد: «به خدا سوگند! اگر ترس و وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آن‌ها طور دیگری بود». همچنین آن حضرت در جواب ابوسفیان بعد از تشکیل سقیفه - که به عنوان حمایت از علی (ع) می‌خواست فتنه به پا کند، همگان را به وحدت فرا خواند: «امواج کوه پیکر فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات (علم، ایمان و اتحاد) درهم شکنید؛ از راه اختلاف و پراکندگی کنار آید و تاج تباخر و برتری جویی از سر بنهید»^۲ (انصاری مقدم و انصاری، ۱۳۷۹).

در مجموع در الگوی اسلامی یگانه راه سعادت و پیشرفت سیاسی و اجتماعی پیروی از عامل وحدت آفرین دین دانسته شده و نسبی‌گرایی ارزشی و اخلاقی و فردگرایی را عامل تفرقه و عامل ضعف و نابودی جامعه معرفی می‌کند.

۲. کارنامه تحقق بنیان‌های سیاسی الگوی پیشرفت در دهه اول انقلاب

۱-۲. میزان پایداری دولت‌های دهه اول انقلاب نسبت به اساس انگاشتن مسئله امنیت

۱. عهدنامه‌ای بین پیامبر و یهودیان مدینه بود که پیامبر دین و دارایی آنان را به رسمیت شناخت و از آن‌ها تعهد گرفت که احدی را بر ضد پیغمبر (ص) یاری نکنند و اگر مشکلی پیش آید، به مسلمانان در حل آن کمک کنند. چنان که مسلمانان هم در مقابل، همین تعهدات را بر عهده دارند.

۲. و ایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلمین و ان يعود الکفر و یورالدین لکنا غیر ما کنا لهم علیه.

۳. ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاه و عرجوا عن طریق المنافره وضعوا تیجان المغاخره.

تنها اندکی پس از پیروزی انقلاب، حوادثی چون ترور چهره‌های نزدیک به رهبری انقلاب، بمب‌گذاری در نقاط مختلف کشور از سوی عناصر شناخته شده یا ناشناس، جنگ داخلی در کردستان، گنبد و خرمشهر و آشوب‌های دامنه دار شهری که گروه‌های مسلح مانند مجاهدین و فدائیان پای ثابت آن بودند، در کنار یورش گسترده عراق به ایران کشور را در بحران امنیتی عمیقی فرو برد. در چنین شرایطی بود که در گیر و دار بزنگاه‌هایی همچون تصویب قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری نگرش محافظه‌کار امنیت محور اعضای شورای انقلاب در مقابل نگرش اعضای دولت موقت قرار گرفت که نگرش امنیتی نداشت. در جریان تصویب قانون اساسی نیز بنا شد تا مجلس موسسان برای تصویب قانون اساسی تشکیل شود. در این موقعیت بین اعضای شورای انقلاب و دولت موقت اختلاف نظر بود که آیا تعداد اعضا خبرگان کم (نظر شورای انقلاب) یا زیاد (نظر دولت موقت) باشد. در نهایت تصمیم این شد که به نظر امام (ره) مراجعه کنند که نظر ایشان این بود که مجلس کوچک‌تر به صلاح شرایط امنیتی مملکت است. (مدنی، ۱۳۸۹).

در جریان جنگ تحمیلی نیز چنین تقابلی در دیدگاه‌ها وجود داشت. با آغاز جنگ تحمیلی صحنه جدیدی برای اختلافات نیروهای داخلی پدید آمد. بنی صدر که مقام فرماندهی کل قوا را در اختیار داشت معتقد بود که روحانیون و نیروهای مکتبی نباید در جنگ مداخله کنند و این وظیفه متخصصان و ارتش کلاسیک است که امور جنگ را پیش ببرند اما پس از شکست‌های متعدد ارتش در جبهه‌های نبرد از جمله در عملیات شکست حصر آبادان نیروهای انقلابی از امام درخواست اظهار نظر کردند. امام نیز که پیش‌تر با توجه به شرایط حساس و ویژه جنگ ابراهیمیت کنار گذاشتن اختلافات و اتحاد تاکید کرده بود و با واکنش مثبتی از سوی بنی صدر و یارانش مواجه نشده بود در نهایت تصمیم گرفت که بنی صدر را از مقام فرماندهی کل قوا عزل کند تا به این ترتیب زمینه برای استفاده از ظرفیت نیروهای بسیج با روی کار آمدن دولت رجایی و در ادامه موسوی در شرایط غیر معمول امنیتی فراهم گردد (باوریان و سهراب زاده، ۱۳۹۷: ۱۶۳-۱۶۰).

۱-۲. میزان پایداری دولت‌های دهه اول انقلاب به اتحاد و انسجام سیاسی و اجتماعی

در مکتب جامعه‌شناسی لیبرال توسعه سیاسی در گرو ایدئولوژی زدایی از سیاست تلقی می‌شود و تصور بر این است که از این طریق، خشونت زدایی از سیاست صورت می‌گیرد و امکان پیدایش نهادها و چهارچوب‌های قانونی برای رقابت و سازش سیاسی فراهم می‌آید. در

مقابل این دیدگاه نقدهایی وجود دارد، که از آن جمله می‌توان به نقد محافظه‌کارانی همچون برک، دوتوکویل و اورتگایی گاست اشاره کرد. استدلال این متفکران این است که با توجه به ساخت سنت‌ها و یا طبع بشر، توسعه سیاسی به مفهوم دموکراتیک موجب گسترش از خود بیگانگی و سرگردانی فرد و جامعه می‌شود و حتی ناممکن است (بشیریه: ۱۳۸۰: ۱۲).

در مکتب اسلام اما همان طور که پیش از این ذکر آن رفت، همچون محافظه‌کاری ایدئولوژی زدایی از سیاست و جامعه ارزشمند نیست و برای حفظ انسجام و وحدت در جامعه لازم است که حول محور ارزش‌های اساسی الهی وحدت وجود داشته باشد. با این تفاسیر در ادامه در پی آن خواهیم بود که دوره زمانی آغاز انقلاب تا پایان جنگ را از این لحاظ مورد ارزیابی قرار دهیم.

اولین و اساسی‌ترین آوردگاهی که پس از انقلاب اسلامی ضرورت وحدت حول محور ارزش‌های اسلامی را به نمایش گذاشت، مسئله تدوین قانون اساسی بود. این امر موجب نوعی اختلاف اساسی و کشمکش میان اعضای شورای انقلاب و کمیته‌های انقلاب که مصمم به نهادینه کردن مفهوم ولایت فقیه بودند با مهدی بازرگان و نزدیکان غیر روحانی او متشکل از جبهه ملی و طرفداران مصدق در دولت موقت بود که خواهان تدوین یک قانون اساسی بر اساس الگوی جمهوری پنجم دوگل در فرانسه بودند. جمهوری مورد نظر آنان به لحاظ اسمی اسلامی اما به لحاظ محتوایی دموکراتیک به معنای غربی کلمه بود. این تعارض عملاً حاکی از وجود یک دولت دوگانه بود. در نیمه‌های اسفند ۱۳۵۷ به هنگام همه پرسی آری یا خیر به جمهوری اسلامی، بازرگان می‌خواست گزینه جمهوری اسلامی دموکراتیک را به عنوان گزینه سوم معرفی کند. اما امام خمینی با این یدگاه مخالفت کرد: «آن چه ملت به آن نیاز دارد یک جمهوری اسلامی است - نه جمهوری دموکراتیک یا یک جمهوری دموکراتیک اسلامی. از کلمه غربی دموکراتیک استفاده نکنید. کسانی که خواهان چنین چیزی هستند از اسلام چیزی نمی‌دانند». ایشان اندکی بعد اظهار کرد: «اسلام به صفاتی مانند دموکراتیک احتیاجی ندارد چون کامل است. مایه تاسف است که کلمه دیگری را در کنار کلمه اسلام که کامل است قرار دهیم» (آبراهامیان، ۱۴۰۰: ۲۹۰-۲۸۹).

در واقع پس از انقلاب نظام جدید به سرعت به تحکیم مواضع و ایدئولوژی خود در جامعه پرداخت اما چنین اقدامی منجر به از هم گسستگی ائتلاف متنوعی شد که در پیروزی انقلاب نیز

نقش داشتند. در گیر و دار حوادث سرنوشت سازی همچون تصویب قانون اساسی، تسخیر سفارت آمریکا و جنگ ایران و عراق آوردگاه مقابله دولت بازرگان و بنی صدر با راهبردها و ارزش‌های اساسی جمهوری اسلامی نمایان شد. مخالفت سرسختانه بازرگان با راهبرد اساسی استکبار ستیزی در تسخیر سفارت آمریکا، بازرگان نخست وزیر دولت موقت را به کناره گیری از گردونه قدرت وا داشت. ابوالحسن بنی صدر نیز به دنبال اختلافاتی که با حزب جمهوری اسلامی داشت و در مسئله راهبردی جنگ از سیاست‌های کلی نظام پیروی نمی‌کرد، از گردونه سیاست کنار گاشته شد. از این دوره به بعد روحانیون حامی امام خمینی با هدف ایجاد اتحاد و انسجام حول محور ارزش‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی با تشکیل حزب جمهوری اسلامی کنترل دولت را به دست آوردند، اکثریت کرسی‌های مجلس را از آن خود کردند و جریان تدوین قانون اساسی و جنگ را به دست گرفتند (فوران، ۱۳۸۷: ۵۸۷-۵۸۶).

۳. بنیان‌های نظری اقتصاد در الگوی اسلامی پیشرفت

۳.۱. اصل مشروعیت مالکیت مختلط و متوازن

با مراجعه به قرآن کریم می‌توان دریافت که ساختار مالکیت، تک‌محوری نبوده و متکی بر «مالکیت خصوصی» یا «مالکیت دولتی» به تنهایی نیست؛ بلکه مالکیت مختلط، ساختار برگزیده اقتصاد اسلامی است. مالکیت مختلط مشتمل بر سه بخش خصوصی، عمومی و دولتی است که در قرآن هر سه به رسمیت شناخته شده و برای هر یک موازینی وضع کرده است. در قرآن کریم برای مالکیت خصوصی محدودیت‌هایی همچون حرمت اسراف و تبذیر^۱، حرمت مالکیت اشیایی همچون نجاسات و مخمرات^۲ و وجوب بخشش بخشی از اموال و املاک^۳ مشخص شده است. قرآن کریم غیر از مالکیت شخصی و جمعی یا عمومی مردم، نوع دیگری از مالکیت را

۱. بنگرید به: انعام: ۱۴۲، اعراف: ۳۲ و اسراء: ۱۷.

۲. بنگرید به: مائده: ۸۸.

۳. بنگرید به: بقره: ۴۳ و ذاریات: ۲۰.

نام می‌برد که مربوط به حکومت بوده و از آن به انفال تعبیر می‌شود. انفال شامل منابع طبیعی، غنائم جنگی، درآمدهای دولتی و مالیات‌ها و اموال میت بدون وارث می‌شود و در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود (هادوی نیا، ۱۳۸۲).

در اسلام به هر سه شق مالکیت احترام گذاشته شده اما در مواردی که ملکیت‌های سه گانه در تعارض با هم قرار بگیرند، مالکیت دولتی تعیین کننده حقوق مالکیت خواهد بود. چنان که در شان نزول آیه اول سوره انفال که صاحب انفال، خداوند و پیامبر معرفی شده است، چنین رویکردی در سیره پیامبر اکرم قابل مشاهده است. بعد از جنگ بدر بین شماری از اصحاب بر سر تقسیم غنائمی که هر کدام ما یملک شخصی و گروهی خود می‌دانستند، اختلاف پیش آمده بود، پیامبر به حکم الهی به عنوان مالک انفال به طور مساوی غنائم را بین یاران تقسیم کردند (میرحسینی، ۱۳۸۰).

امام علی (ع) نیز مالکیت‌های سه گانه را در پیوند باهم و موازنه دهنده یکدیگر ارزیابی می‌نماید. به اعتقاد ایشان: «خدای سبحان روزی نیازمندان را در مال‌های توان‌گران واجب داشته. پس درویشی گرسنه نماند جز که توان‌گری از حق او خود را به نوایی رساند و خداوند در این مورد ثروتمندان را بازخواست کند»^۲. در این میان مالکیت دولتی در کنار سایر بخش‌های مالکیت در تعدیل فاصله طبقاتی و برخورداری عمومی نقش دارد. در همین ارتباط امام علی (ع) خطاب به کارگزار خود در مکه می‌نویسد: «و در مال خدا که نزد تو فراهم شده بنگر و آن را به عیال‌مندان و گرسنگانی که نزدیک هستند بده، و آنان که مستمندند و سخت نیازمند، و مانده را نزد ما بفرست تا میان کسانی که نزد ما هستند قسمت کنیم»^۳ بنابراین در مالکیت خصوصی و عمومی اغنیا از نظر امیر المومنین حقی برای محرومین وجود دارد که بخشی از آن باید به تملیک دولت اسلامی در آید و باز توزیع شود (حاجیان حسین آبادی، ۱۳۹۶).

۱. انفال: ۱.

۲. (قصار: ۳۲۸): إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ.

۳. وَ أَنْظِرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهِ مَوْضِعَ الْفَقَاةِ وَالْخَلَّاتِ وَمَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا.

۳،۲. اصل مسئولیت پذیری دولت در اقتصاد

قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره حدید مسئولیت اجتماعی و سیاسی پیامبران در تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی را دلیل ارسال پیامبران برمی‌شمرد: «همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (سلاح) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است»^۱. در این آیه تحقق عدالت در بستر اقتناع اجتماعی و با استدلال (میزان) و یا در بستر اجبار سیاسی زورمندان (حدید) ضرورت دارد. یکی از آیات دیگری که بیان‌گر مسئولیت دولت اسلامی در عرصه اقتصادی است، آیه ۱۰۳ سوره توبه است: «از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان آن‌ها را پاک می‌سازی و رشد می‌دهی»^۲. بنا به این آیه حکم حکومتی زکات تطهیر کننده نفوس و مایه رشد اجتماعی با بن افکندن فقر عمومی خواهد بود (هادوی نیا، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۲).

در اوایل دولت اسلامی پیامبر اکرم بزرگترین مشکل اقتصادی مسئله معیشت تازه مسلمانی بود که از گوشه و کنار شبه جزیره به مدینه می‌آمدند. برخی از آنان در نهایت فقر بودند و در مدینه خویشاوندی نداشتند. پیامبر (ص) برای آنان جایگاهی در انتهای مسجد النبی که در واقع مقر حکومت بود در نظر گرفتند و به این ترتیب آنان به اهل صفه مشهور شدند. آنان که تعدادشان تا ۴۰۰ نفر نیز ذکر شده با اموال صدقات و هدایایی که گهگاه به پیامبر داده می‌شد، اداره می‌شدند. از مسئولیت‌های مالی و اقتصادی دیگر دولت اسلامی در دوره پیامبر اکرم می‌توان به هزینه‌های هنگفت پس از سال دوم هجری در تامین سلاح، مرکب و آذوقه مجاهدان اشاره کرد. همچنین ترمیم خسارات ناشی از جنگ و سرپرستی بیوه زنان و یتیمان بر هزینه‌های دولت پیامبر (ص) می‌افزود. منابع مالی تامین این هزینه‌ها از طریق خمس، زکات، غنایم، خراج، جزیه و انفال تامین شد (مالک، ۱۳۸۲).

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ.
 ۲. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا.

امام علی (ع) نیز در خطبه سوم نهج البلاغه به مسئولیت حکومت در حمایت از مستمندان تاکید داشته‌اند و فلسفه پذیرش خلافت را در همین نکته بیان کرده‌اند: « آگاه باشید! به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید سوگند! اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفتند و به یاری‌ام برخاستند، و از این جهت که حجت تمام شده است، و اگر نبود عهد و مسؤولیتی که خداوند از علما و دانشمندان گرفته که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را رها می‌کردم و از آن چشم می‌پوشیدم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می‌کردم، آنگاه خوب می‌فهمیدید که دنیای شما در نظر من بی ارزش‌تر از آب بینی گوسفندی است». (صادقی شاهدانی، ۱۳۹۶: ۷۲).

۴. کارنامه تحقق بنیان‌های اقتصادی الگوی پیشرفت در دهه اول انقلاب

۴.۱. میزان پابندی دولت‌های اول انقلاب به مالکیت مختلط و توازن در مالکیت

مروری بر حوادث سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ نشان می‌دهد که یکی از جنجالی‌ترین مباحث آن دوره مسئله مصادره اموال بوده است. نقطه آغازین این موضوع به فرمان تاریخی امام خمینی قدس سره باز می‌گردد که طی آن، حکم مصادره اموال سلسله پهلوی و عمال و مربوطین به آن را صادر نمودند. پس از آن، مصادره جنبه عمومی تری پیدا کرد و اموال تعدادی از سرمایه داران و زمین داران بزرگ نیز مصادره شد. در ادامه این جریان به تدریج مصادره جنبه قانونی به خود گرفت و قوانین چندی در این باره به تصویب رسید. اما هم چنان مصادره بحث انگیز بود. در حالی که انقلابیون و نهادهای برآمده از انقلاب از آن استقبال می‌کردند، گروهی دیگر از جمله برخی از عالمان دینی و محافل فقهی، دولت موقت و بنی صدر به شدت از آن انتقاد می‌کردند. حضرت امام در نظرات فقهی و بیانات خود ضمن دفاع از مصادره اموال، به حرمت اموال مشروع و مشروعیت مالکیت خصوصی، تصریح کردند (سیمائی، ۱۳۹۶).

۱. أما وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارَوْا عَلَى كَيْفِهِ حَدِيثَ ظَالِمٍ، وَلَا سَعَبَ حَدِيثِ مَظْلُومٍ، لِأَنَّ لَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَلَسَقِيَتْ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا، وَلَا أَفْقَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ.

بنابراین اگر چه به ضرورت احترام به مالکیت خصوصی در اوایل انقلاب بسیار تاکید شده بود اما آن قسم از اموال و املاک متعلق به افراد در صورتی که از طرق نامشروع و غیر قانونی به دست آمده بودند با پیگیری مدعی العموم (و نه توسط افراد حقیقی) به مصادره عمومی در می‌آمدند و این موضوع تنافی با اصل مشروعیت مالکیت خصوصی نداشت.

اقتصاد ایران در دهه اول انقلاب جنبه بازتوزیعی داشت. این بازتوزیع ساختاری در دو سطح از بالا و از پایین صورت می‌گرفت. بازتوزیع از پایین شامل اقدامات خودانگیخته طبقات پایین جامعه در تصرف اموال طبقات بالا می‌شد. این طبقه که بار اصلی بحران توزیع ناعادلانه ثروت در دوره پهلوی را به دوش می‌کشیدند، با استفاده از شرایط انقلاب که قدرت موثر مرکزی کمرنگ شده بود دست به این تصرفات می‌زدند. گونه دوم اقدامات بازتوزیعی که از بالا صورت می‌گرفت، توسط دولت و در قالب لوایح و ... انجام می‌شد. بر این اساس با دستور امام خمینی (ره) دستگاه‌های تقنینی و اجرایی مأموریت یافتند تا اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی را به نفع اقشار و طبقات مستضعف مصادره کنند. این اقدام به بازتوزیع از بالا با مخالفت دولت موقت و بنی صدر رو به رو شد. (حاتمی، ۱۳۸۷: ۹۳-۸۹).

۲-۴. میزان پایبندی دولت‌های اول انقلاب به مسئولیت‌پذیری دولت در اقتصاد

به طور کلی در دهه اول انقلاب نیروهای انقلابی به چند دلیل سعی داشتند تا تغییرات اساسی در ساختار اقتصاد کشور به وجود آورند. اولاً آن‌ها تا پیش از این به عنوان منتقد رژیم گذشته ساختار اقتصاد ایران را زیر سوال برده بودند. ثانیاً آن‌ها به دنبال پی ریزی اقتصاد اسلامی به جای الگوهای لیبرال و سوسیالیستی بودند. ثالثاً شرایط بحرانی کشور ضرورت تغییرات اساسی در اقتصاد کشور را اولویت می‌بخشید. مجموعه‌های انقلابی در فاصله ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ به رغم مخالفت دولت بازرگان و بنی صدر با سیاست مسئولیت‌پذیری دولت در اقتصاد در جهت پاسخ به این نیاز اخیر از راهبرد «رشد معطوف به باز توزیع درآمد» استفاده کردند و در جهت تعدیل نابرابری‌های اقتصادی اقداماتی همچون انتقال مالکیت بانک‌ها، صنایع و شرکت‌ها به دولت انجام پذیرفت. در سال‌های بعد تا ۱۳۶۸ و در طول دولت میر حسین موسوی به دلیل شرایطی همچون جنگ، تحریم و کاهش درآمدهای نفتی اقتصاد کشور به سمت تامین هزینه‌های جنگ و معیشت حداقلی جامعه رفت و سیاست‌های مد نظر دولت در جهت پیشرفت اقتصادی کشور از طریق

دولتی سازی و حمایت حد اکثری از اقشار ضعیف به طور کامل عملی نشد (فیض افرا و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۸: ۲۴۶ و ۲۳۷).

در فاصله سال‌های بین ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ در دولت میر حسین موسوی سیاست اقتصادی سال‌های اولیه انقلاب در زمینه حمایت دولت از اقشار ضعیف شدت بیشتری داشت. دولت موسوی در شرایطی شکل گرفت که کشور درگیر جنگ تحمیلی شده بود. تا سال ۱۳۶۴ درآمدهای نفتی کشور تا سه برابر افزایش یافت اما از آن سال به بعد به دلیل افت شدید قیمت نفت و تخریب زیر ساخت‌های کشور درآمدهای و منابع اقتصادی کشور کاهش یافت. با وجود این تغییرات در تولید ناخالص ملی در این دوره زمانی، به جهت شرایط جنگی حاکم بر کشور، تلاش می‌شد تا با کلان سیاست‌هایی همچون برقراری نظام کوپنی و پایین نگه داشتن نرخ ارز، معیشت حداقلی طبقه کم برخوردار اقتصادی به مخاطره نیفتد (پژویان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

۵. بنیان‌های نظری فرهنگ در الگوی اسلامی پیشرفت

۵-۱. اصل محوریت دین در امور فرهنگی

فرهنگ بیش از هر نهاد دیگر با ارزش‌ها سروکار دارد و محتوای آن با مجموعه‌ای از ارزش‌ها تعیین می‌شود. فرهنگ از جمله عالی‌ترین نهادهایی است که کارکرد تحقق ارزش‌ها در جامعه را داراست. از این رو، توجه به بحث ارزش‌ها و عوامل مرتبط با آن، مانند عوامل مؤثر در کسب و انتقال ارزش‌ها ضروری و حایز اهمیت است. قرآن کریم به عنوان یکی از منابع الگوی اسلامی پیشرفت بهترین نقطه اتکای فرهنگ جامعه را در آیه ۵۹ سوره نسا منابع دینی معرفی می‌کند: «هرگاه در چیزی نزاع کردید آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است» (رستمی نسب و شبستری نژاد راوری: ۱۳۹۴).

در سیره رسول خدا نیز محوریت دین در فرهنگ عمومی نمود خاصی دارد. در آخرین روزهای زندگی دنیوی پیامبر گرامی اسلام و در جریان حجه الوداع، بنا به نقلی آخرین آیه‌ای که به ایشان نازل شد بخشی از آیه ۳ سوره مائده بود: «امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم

۱. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم»^۱ پس از این ماجرا پیامبر (ص) در خطبه حجه الوداع بارها این آیه را مورد تکرار و تاکید قرار دادند که نشان دهنده ضرورت دین باوری و دین محوری به عنوان بهترین نسخه و منظومه ارزشی از منظر فرهنگ اسلامی است (عیوضی، ۱۳۸۶).

امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه انگیزه محوری و فرهنگ اصیل را در امور اجتماعی پیروی از ارزش‌ها و فرهنگ دینی و الهی معرفی می‌کند: «بار خدایا، تو می‌دانی، که آن کارها که از ما سر زد، نه برای همچشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات به امنیت برسند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد»^۲. (ساروی و قادر زاده، ۱۳۸۴).

۲-۵. اصل پاسداشت و تحکیم خانواده

در قرآن کریم به دلیل کارویژه‌های مثبت روانی^۳ تربیتی^۴ و ... از خانواده به عنوان نهادی مقوم فرد، دین و جامعه یاد شده است که ضرورت دارد نسبت به تشکیل و محافظت و تحکیم آن اقدام شود. در آیه ۳۲ سوره نور در خصوص ضرورت تشکیل خانواده به مومنان دستور داده شده: «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید»^۵ (شهاداد و کمانکش: ۱۳۹۹). در خصوص ضرورت حفظ و تحکیم خانواده نیز در آیه ۶ سوره تحریم آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش نگاه دارید».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

۲. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَاسَّ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحَطَامِ، وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.

۳. (روم: ۲۱) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ...: یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید.

۴. (تحریم: ۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش نگاه دارید.

۵. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ

در مواقع گوناگونی از سنت رسول گرامی اسلام، اهمیت نهاد خانواده و تشکیل آن قابل مشاهده است. چنان‌که رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست»^۱. یا در حدیث مشهور، معتبر و مورد اجماع دیگری از ایشان نقل شده است که: «ازدواج سنت و طریقه‌ای در زندگی من است، پس هر کس از این طریقه روی گرداند، از من نیست»^۲ (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲: ۸۵).

امام علی (ع) نیز نهاد خانواده را محملی بی‌بدیل برای نهادینه ساختن دین و تداوم زندگی جمعی سعادت‌مندان بر شمرده‌اند و این موضوع را در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندشان امام حسن (ع) یاد آوری کرده‌اند: «در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم. اما از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد، و کار را بر آنان شبهه ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد، اگر چه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی، و امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند، و به راه راست هدایت فرماید»^۳ (داود آبادی، ۱۳۹۸).

۶. کارنامه تحقق بنیان‌های فرهنگی الگوی پیشرفت در دهه اول انقلاب

۶-۱. میزان پایداری دولت‌های دهه اول انقلاب به اصل محوریت دین در امور فرهنگی

در سال‌های اولیه انقلاب تا سال ۱۳۶۰ دو جریان مکتبی دین‌مدار و غیر مکتبی سکولار در کشور نقش آفرینی می‌کردند. جریان غیر مکتبی متبلور در دولت موقت و رئیس‌جمهور بنی صدر بر خلاف انقلابیون مکتبی تحت تاثیر شدید غرب بود، به گونه‌ای که تفسیر آنان از اسلام

۱. مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ: (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه ج ۱۴: ۳).

۲. لِنِكَاحِ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

۳. وَءَانَءُ بِنْدَتِكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ، وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَءَحْكَامِهِ، وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ، لَا ءُجَاوِزَ ذَلِكَ بَكَ إِلَى غَيْرِهِ.

ثُمَّ ءَشْفَقْتُ ءَانَءُ يَلْتَبَسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ ءَهْوَانِهِمْ وَءَرَءَانِهِمْ مِثْلَ الَّذِي اَلْتَبَسَ عَلَيْهِمْ، فَكَانَ اِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَيَّ مَا كَرِهْتَ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ ءَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ اِسْلَامِكَ إِلَيَّ ءَمْرٌ لَا ءَمْنٌ عَلَيْكَ فِيهِ اَلْهَلَكَةُ وَرَجَوْتُ ءَانَءُ يُؤَفِّقَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ، وَءَانَءُ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ، فَعَهَدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَدِي.

متاثر از جایگاه دین در کشورهای غربی نظیر فرانسه بود. آن‌ها ضمن اصالت بخشیدن به مبانی ارزشی غرب همچون اصالت آزادی‌های فردی و نسبی‌گرایی اخلاقی، ملی‌گرایی را متقدم بر اسلام (اول ایران، بعد اسلام) می‌دانستند و معتقد بودند که مذهب امری شخصی است و سیاست از دیانت جداست. هم‌چنین به دخالت روحانیت در سیاست اعتراض داشتند و اصل ولایت فقیه را قبول نداشتند (شهرام نیا و نظیفی نایینی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

اما با عزل بنی‌صدر در خرداد ماه ۱۳۶۰ فصل جدیدی در حکومت جمهوری اسلامی آغاز شد که بازیگران و کلان‌رویه‌های قانونی و سیاسی ذیل دین مشروعیت کسب می‌کردند. در طی این دوره و بعد از آن اگر چه مجادلات عملی و نظری متعددی در خصوص نسبت دین با مفاهیم دیگری همچون توسعه، دموکراسی و آزادی وجود داشت اما جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی دین‌مدار یا تئوکراتیک تثبیت شد (آبراهامیان، ۱۴۰۰: ۲۹۹).

در واقع پس از پیروزی انقلاب اختلافات میان گروه‌های سیاسی شرکت‌کننده در انقلاب عیان شد و ده‌ها ایدئولوژی و گروه سیاسی شکل گرفت. در این شرایط بسیاری انتظار داشتند نیروهای اسلامی انقلاب به علت سازمان‌نیافتگی در دعوی قدرت به حاشیه بروند. از این رو بسیاری از فرصت‌طلبان به خصوص گروه‌های با ایدئولوژی التقاطی و چپ به دنبال نظام‌سازی و اعمال حاکمیت خود بودند. اما امام خمینی و شورای انقلاب با تشکیل کمیته‌ها و دیگر نهادهای انقلابی در طی دو سالی که به دوران تثبیت معروف است، با فراهم کردن زمینه همه‌پرسی جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی توانستند حاکمیت را با اسلام ممزوج کنند (نوروزی، ۱۳۸۷: ۴).

۲-۶. میزان پایداری دولت‌های دهه اول انقلاب به اصل پاسداشت و تحکیم خانواده

سیاست اصلی دولت‌های دهه اول انقلاب حمایت از خانواده در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نمادین بوده است. ماهیت دینی نظام سیاسی لزوم توجه دولت‌ها به موضوع خانواده را در سال‌های اول انقلاب در قالب اجرای قوانینی همچون «قانون خدمت نیمه وقت بانوان» آشکار کرد. به موجب مواد هفتم و نهم این قانون طول دوره مرخصی زایمان جز سنوات خدمتی بازنشستگی محسوب و حقوق و مزایای مربوطه به مانند قبل و به طور کامل پرداخت می‌شود. در ادامه و با آغاز جنگ تحمیلی و حضور مردان در جبهه‌های نبرد قوانینی در جهت

حمایت از خانواده‌های رزمندگان به مرحله اجرا درآمد. از جمله این موارد می‌توان به قانون اجازه پرداخت مستمری کارکنان دولت حاضر در جبهه به خانواده آنان و قانون حمایت مالی از خانواده شهدا، اسرا، جانبازان و رزمندگان اشاره کرد (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۹۶: ۱۴۶).

در همین راستا در دهه اول انقلاب قوانین و سیاست‌هایی در دهه اول انقلاب به خصوص پس از عزل بنی صدر تدوین و به موقع اجرا گذاشته شد که از آن جمله می‌توان به اصلاح موادی از قانون مدنی همچون ممنوعیت نکاح نابالغ، شرط اذن ولی برای نکاح زوجه، شرایط عسر و حرج زوجه و قیمومیت (۱۳۶۱)، خدمت نیمه وقت بانوان (۱۳۶۲) و اجبار نفقه در صورت وجوب (۱۳۶۳)، اشاره کرد (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵: ۱۶ و ۱).

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت که الگوی اسلامی پیشرفت در بعد فرهنگی مایه گرفته از اصل اساسی دین‌مداری است که در خانواده نهادینه و به جامعه تسری می‌یابد. امتداد الگوی فرهنگی پیشرفت اسلامی در اصول سنت سیاسی و اقتصادی نیز قابل مشاهده است. در مسائل سیاسی از نظر اسلام راه سعادت جامعه تنها از گذرگاه پیروی از اصول دینی می‌گذرد و گوناگونی و اختلاف در مسائل سیاسی تنها با مینا و محور قرار دادن منبع دینی پذیرفته خواهد بود و بر خلاف مکاتب انسان‌گرایانه رایج مخالفت با اصول و مبانی دینی و قائل بودن به نسبی‌گرایی ارزشی و اخلاقی و آزادی بدون حصر عقیده برای جامعه خسران‌آور است. نکته دیگر متمایز بودن الگوی اسلامی پیشرفت نسبت به ایدئولوژی‌های اصلی غربی همچون مارکسیسم و لیبرالیسم است، در عرصه سیاسی تاکید نصوص و مصادر اسلامی بر امنیت به عنوان مبنای تشکیل و امتداد حیات جمعی و اولویت آن بر سایر ارزش‌هایی همچون آزادی و عدالت است که ارزش‌های محوری مکاتبی همچون لیبرالیسم و مارکسیسم هستند.

در بعد اقتصادی نیز الگوی اسلامی پیشرفت در بردارنده شکل بندی خاصی از اقتصاد کلان است که در آن بر خلاف اقتصادهای لیبرال و سوسیالیستی هر سه بخش دولتی، عمومی و خصوصی دارای کارویژه‌های به یک اندازه مهمی هستند و برای پویایی و پیشرفت اقتصاد به هر سه آن‌ها نیاز است. همچنین نقش ویژه‌ای که برای دولت در سنت اسلامی برای تامین اجتماعی

و حمایت از اقشار کم برخوردار و تهی دست در نظر گرفته شده با قاعده عملکرد بی طرفانه دولت در اقتصادهای موسوم به بازار آزاد همخوانی ندارد. با این اوصاف و با محور قرار دادن این شاخص‌ها به ارزیابی انطباق عملکرد دوره آغازین انقلاب تا پایان جنگ با موازین الگوی اسلامی پیشرفت پرداخته شد.

در این پژوهش الگوی اسلامی پیشرفت مبتنی بر شرایط بومی جمهوری اسلامی و منطبق بر اصول اساسی و هسته سخت سنت اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در قالب شاخص‌هایی در هر کدام از این زمینه‌ها تعریف و معرفی شد. این شاخص‌ها نه به منزله حد نهایی پیشرفت بلکه به منزله حد ضروری و پایه‌ای پیشرفت در اسلام تلقی می‌شوند که بی توجهی و اختلاف نظر بر سر آن‌ها نه تنها پیشرفت را مختل می‌سازد، بلکه اساسا کلیت جامعه و حیات اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. به خصوص در شرایط سال‌های اولیه پس از انقلاب که بحران ساختاری بغرنجی بر فضای کشور حکم فرما بود، اهمیت توجه به این شاخص‌های حیاتی و اولیه الگوی اسلامی پیشرفت بیشتر جلوه می‌کرد. اگر چه تا به امروز نیز این الگو به دلیل عدم توافق عمومی بر سر راهبردهای کلان پیشرفت و تداوم اشکالات و بحران‌های ساختاری، کارکرد خود را از دست نداده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 انصاری مقدم، علیرضا؛ انصاری، زهرا (۱۳۷۹). وحدت ملی در گفتار و سیره امام علی (ع)، فرهنگ کوثر، شماره ۴۸.
 آبراهامیان، یرواند (۱۴۰۰). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
 باوریان، فریده؛ سهراب زاده، فاطمه (۱۳۹۷). تبیین دو رویکرد اصلی مدیریتی دفاع از کشور در جنگ تحمیلی، مطالعات دفاع مقدس، ۴(۲)، ۱۸۴-۱۵۱.
 بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران؛ تهران: نشر گام نو.
 پاکروان، مهدیه؛ سالاریان، زهرا؛ صباغچی، یحیی (۱۳۹۵). بررسی معاهدات نبوی با تکیه بر دو اصل «دوسویه بودن تاملات» و «عدم تحمیل دین»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ۱۳(۴۱)، ۲۳-۵.
 پژویان، ناصر؛ طالب لو، رضا؛ سادات قریشی، نیره؛ جلالیان، کتابون (۱۳۸۵). مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی: اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌های توسعه و عملکرد، راهبرد یاس، ۵(۱۵)، ۱۸۰-۲۱۲.
 پور فرد، مسعود (۱۳۹۲). وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن کریم، سیاست متعالیه، ۱(۲)، ۲۹-۴۸.
 حاتمی، عباس (۱۳۸۷). دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تاثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمونوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیر یکپارچه در ایران، سیاست، ۳۸(۲۲)، ۱۱۷-۸۹.
 حاجیان حسین آبادی، رضا (۱۳۹۶). بررسی مالکیت اسلامی با تاکید بر نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، کنفرانس سراسری علمی تخصصی نهج البلاغه با رویکرد فرهنگی، اردبیل.
 حسینی، سید حسن؛ عزیزی، مینا (۱۳۹۵). بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، مطالعات زن و خانواده، ۴(۱)، ۳۴-۷.
 داود آبادی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی خانواده متعادل در نهج البلاغه، نهمین جشنواره علامه حلی.
 دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹). نگاهی به امنیت از منظر امیر مومنان (ع)، حکومت اسلامی، ۵(۱۸).
 رستمی نسب، عباسعلی؛ شبستری نژاد راوری، زهرا (۱۳۹۴). نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم، معرفت، ۲۴(۲۰۸)، ۲۷-۳۸.
 سریع القلم، محمود (۱۳۹۶). عقلانیت و توسعه یافتگی ایران، تهران: انتشارات فرزانه روز.

- سیمائی، حسین (۱۳۹۶). قلمرو مالکیت خصوصی و حکم مصادره اموال از دیدگاه امام خمینی، پورتال جامع علوم انسانی، قابل دسترس در: <https://b2n.ir/g66030>
- شریفی، عنایت الله؛ لطفی، مهر علی (۱۳۹۲). سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۴(۱۴)، ۸۱-۱۰۰.
- شهداد، قدسیه؛ کمانکش، حمید (۱۳۹۹). مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر سلامت جامعه با محوریت دین پروری، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات میان رشته ای روان شناسی، مشاوره و آموزش علوم تربیتی، تهران.
- شهرام نیا، مسعود؛ نظیفی نایینی (۱۳۹۲). تعامل و تقابل ملی گرایی و اسلام گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش های راهبردی سیاست، ۲(۵)، ۱۹۷-۲۱۷.
- صادقی شاهدانی (۱۳۹۶). تحلیل وظایف دولت در قبال مسئله عدالت از منظر قرآن و حدیث، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۱(۱)، ۸۵-۶۵.
- عموزاده مهدیرجی، حنیف (۱۳۹۶). سیاستگذاری خانواده و تیرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، سیاستگذاری عمومی، ۳(۱)، ۱۵۲-۱۳۳.
- عیوضی، محمدرضا (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی ها و اصول، زمانه، ۶(۵۸)، ۱۸-۲۸.
- فوران، جان (۱۳۸۷). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فیض افرا، داود؛ مولوی وردنجانی، عیسی (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل شکل گیری منازعات سیاسی در تحولات اقتصادی دوران نخست وزیری میرحسین موسوی، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۲(۲)، ۲۵۲-۲۳۳.
- مالک، محمدرضا (۱۳۸۲). وظایف و مسئولیت های دولت اسلامی در اقتصاد، اقتصاد اسلامی، ۳(۱۲)، ۳۷-۶۸.
- مومنی، محتشم (۱۳۹۸). جایگاه امنیت اجتماعی در قرآن کریم، پایگاه تحقیقاتی القرآن.
- نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران در پنج گفتمان، مطالعات انقلاب اسلامی، ۴(۱۳)، ۸۵-۱۱۳.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن کریم، اقتصاد اسلامی، ۳(۱۲)، ۱۳-۳۵.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۶). مبانی نظریه دولت در قرآن کریم، اقتصاد اسلامی، ۷(۲۶)، ۷-۳۲.